یادداشت

نگاه اصلاح‌طلبان به دولت

غلامعلی دهقان
عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه

به طورکلی در تاریخ معاصر، ما شاهد شکافی هستیم که دوره‌های مختلف سیاسی را ایجاد کرده است که اگر آن را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم چرا فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و جامعه هوادار آن، امروز ممکن است احساس روزهای نخست پس از پیروزی دکتر روحانی را نداشته باشند.

این شکاف در جامعه‌شناسی سیاسی خود را نشان داده و دوقطبی «ما آزادی یا امنیت» را پدید آورده است. امنیت کاذبی که در دوره قاجار وجود داشت سرانجام باعث انقلاب بزرگی به نام مشروطه شد و ۱۵ سال سوغات آزادی را به ارمغان آورد اما همین مقطع در دل خود، نامنی‌هایی ایجاد کرد.

ناامنی فکری ایجاد شد و علمای مؤثر در مشروطه به دو طیف مشروطه‌خواه و مشروطه‌طلب تبدیل شدند. آیت‌الله نائینی کتاب «تنبیه‌الامه» را جمع‌آوری کرد.

جنگ جهانی اول ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۷ در کشور ناامنی ایجاد کرد و بحث تجربه ایران مطرح شد. رضاخان به عنوان ناجی ملت و احیاگر از این فضا استفاده کرد و به اسم پایان‌دادن به ناامنی، استبداد دیرپای مسلط بر ایران را بازتولید کرد. ۲۰ سال این وضعیت طول کشید و در همین دوران امنیت، دوباره گفتمان آزادی که در حال طی دوران جنینی به دوران بلوغ بود، فرارسید. از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ یعنی به مدت ۱۲ سال، مقوله آزادی‌خواهی قد کشید و فضای باز سیاسی ایجاد شد.

در همین فضا تا کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، گفتمان آزادی‌خواهی طرفداراسی پیدا کرد اما همان دوقطبی‌های کاذب ایجاد شد. برخی آزادی را باعث نوعی ناامنی در کشور دانستند که به کودتای ۲۸ مرداد انجامید و خیلی از کسانی که تا قبل از آن، طرفدار آزادی بودند از بازگشت پهلوی دوم به کشور استقبال کردند. بعد از آن هم این روند ادامه داشت. دوگانه ملی یا مذهبی، یکی از این دوقطبی‌ها بود. این دو جریان وقتی کنار هم بودند، ۳۰ تیر ۳۱ را آفریدند و وقتی با این یا آن، بر سر زبان‌ها افتاد ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۳۲، رقم خورد.

خارجت کند شهید محلاتی نماینده امام در سپاه را که در سال ۶۴ به شهادت رسیدند. ایشان می‌فرمود در مقطعی که ما طلبه بودیم، در قم اطلاعیه‌هایی به حوزه می‌رسید که در آن آمده بود اگر دوباره قدرت را به دست بگیریم یا آخوندها چنین‌وچنان می‌کنیم! فکر می‌کردیم این کار حزب توده است و مصدق را به‌خاطر برخوردنکردن با توده شماتت می‌کردیم اما بعدا مشخص شد که سرخط این اطلاعیه‌ها خارج از کشور بود و هدف آن، تشدید اختلاف میان جریان ملی با جریان مذهبی بود تا به این وسیله، این دو بازوی مشروطه و ملی‌شدن صنعت نفت را از هم جدا کنند. در این میان متأسفانه مظفر بقایی‌ها هم بودند که ادعای ملی داشتند اما بنای ایجاد اختلاف داشتند.

ناامنی‌های ایجادشده، گمسر آزادی‌خواهان را خسر کرد و پس از آن به‌ناصر را بست ۲۵ سالهپلوی دوم مواجه شدیم. سیاوش در سال ۳۲ تاسیس شد و به اسم ایجاد امنیت، کمترین آزادی‌خواهی را تحمل نمی‌کرد. جلسات روشنفکران، نشست‌های مذهبی و حتی جلسات خصوصی را تحت‌الشعاع قرار داد و بسیاری کتاب‌ها به اسم امنیت، امکان انتشار نداشت. این فضا باعث انقلاب بزرگ دیگری به نام انقلاب اسلامی در سال ۵۷ شد.

مطالبات انباشته‌شده طیف‌های مختلف جبهه، لیبرال، مذهبی و ملی ناگهان سر باز کرد و به سبب اتفاقات سیاسی ـ سال ابتدای انقلاب، باز دیگر فضا تغییر کرد. اگر به انتخابات مجلس اول در سال ۵۸ نگریم با بالاترین سطح آزادگی برگزار شد و حتی رهبر سازمان مجاهدین خلق (منافقین) کاندیدا شد و معجود رجوی در تهران سی‌وهفتم شد! اما بازهم خواستند بین دو گفتمان آزادی‌خواهی و امنیت‌گرایی، آغاز شد.

تجزیه‌طلبی در کردستان و سفر دکتر جمران به پاوه، واقعه ترکمن‌صحرا و قیام مسلحانه سازمان منافقین و تورهای ناجوانمردانه و مبتنیک‌های گروه‌های سیاسی که یکی پس از دیگری ترور می‌شدند، فضای ناامنی شدیدی ایجاد کرد که نتیجه آن تغییر فضا تا نوم خرداد ۷۶ بود.

آمن محمود احمدی‌نژاد و هشت‌سالی که شرایط خاص خود را داشت و به‌خاطب‌پرفش گفتمان‌های سیاسی نباش شد. محصول همین نکته است.

اما باز هم با وجود همه اتفاقات جهار سال پس از ۸۸، مردم در مقطع انتخابات سال ۹۲ به کاندیدایی اقبال نشان دادند که همن کوه‌های سیاسی که آزادی و امنیت را در کنار هم می‌دانند، به مردم معرفی کرده بودند.

کاندیدایی که در شعارهای خود، بر اهمیت فعالیت سیاسی و ازبین‌رفتن فضای امنیتی تاکید می‌کرد. در سیاست خارجی، مسائل فرهنگی و دانشگاهی، آزاداندیش بود و «دولت دینی» را آرزوی خود داشت.

حسن روحانی به نوعی نشان داد با گفتمان‌های رسمی فاصله دارد هرچند سال‌ها درون نظام خدمت کرده بود. در جهار سال گذشته در حال تجربه جدیدی هستیم.

مردم فضای باز سیاسی می‌خواهند اما سایر حوزه‌ها هم دارای اهمیت است. با این حال آن «دور باطل» باز هم خود را نشان داده و شواهدی دال بر تلاش گروه‌های برای پدیده‌آوردن دوباره تقابل کاذب میان مؤلفه‌های «امنیت‌گرایی» و «آزادی‌خواهی» در دست است. در حوزه مسائل دانشگاه، برخوردهای صورت‌گرفته با برای علوم پیشه‌دادی و سرپرستان و حبات‌های رؤسای دانشگاه‌ها که جملگی از چهره‌های معتدل و مخصص هستند، به مشکل خورده‌اند. در تحولات انتخابات گیری که در هشت سال دولت احمدی‌نژاد هیچ‌گاه نخواست در جامعه با پدیده‌های مثل دبحیانی برخورد کند. دوباره فعال شده است.

لیست آنها صراحتا گفته چون با احمدی‌نژاد رفیق بوده، در آن دوره فعال نشده‌اند! همه اینها برای ناکارآمد نشان‌دادن دولت است. در این شرایط، مسئولیت اصلاح‌طلبان که بنده اصلی حامیان دولت را تشکیل می‌دهند بسیار سنگین است.

اساسا اصلاح‌طلبی بعضی‌ها را به سیاست‌ورزی، خوشبختانه اقبال جامعه به اعتدال و اصلاحات، بعضی تواون آرمان‌ها و واقعیت‌ها و می‌توان به دستاوردهای آن آمیدوار نیز.

احمد شیرزاد در گفت‌وگو با «شرق»

برآورده کردن مطالبات رأی‌دهندگان اولویت دولت باشد

حسن سخندان

فضای سیاسی کشور، تا حدی به سمت آرامش میل کرده است و البته این فضا احتمالا در جریان بررسی کابینه، منفلوت خواهد شد. احمد شیرزاد، از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب، در گفت‌وگو با «شرق» به پرسش‌هایی پیرامون فضای فعلی سیاسی پاسخ داده است. رئیس کمیسیون آموزش مجلس ششم خواستار نگاه منطقی به اختیارات و شرایط رئیس‌جمهور و درعین‌حال، پیگیری مطالبات قابل اجراست.

■ انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم برگزار شد و حسن روحانی هم با حضور در مراسم تنفید و تحلیف، رسما دور دوم دولت خود را آغاز کرد. شعارها و عملکرد چهارساله او را در مقایسه با شعارهای مطرح‌شده، چگونه می‌بینید؟

عملکرد دولت یازدهم به‌طور نسبی با شعارهای اصلاح‌طلبانه‌ای که در ایام انتخابات از سوی رئیس‌جمهور مطرح شد، انطباق دارد. اما اثر بخواهم منعکس‌کننده بخشی از دیدگاه‌های اصلاح‌طلبان باشم. پاسخ من بینابین خواهد بود. اگر به بدنه جامعه‌ای که رای آقای روحانی را تشکیل می‌داد بنگریم، با اینکه همه معذورات آقای روحانی را درک می‌کنند و تفاوت ماهوی ایشان با سلفش را مشاهده می‌کنند، علاقه‌مند هستند مجموعه دولت بهتر از این عمل کند. البته در ایام انتخابات اخیر به‌طور طبیعی آرمان‌هایی برای پیشبرد مطرح شد که ممکن است به توقعات، دامن بزنند. اما با نظر به واقعیت‌های سیاسی به‌عنوان کسی که می‌خواهد کارشناسی‌تر سخن بگوید، دولت روحانی در مرز برآورده‌کردن توقعات سیاست داخلی قرار دارد و در محدوده‌ای که انتظار می‌رفت قدم برداشته و درمجموع به آن نمره مثبت می‌دهم. اما کارهایی می‌شود که دولت هنوز سواغ آنها نرفته است

■ فکر می‌کنید در این انتخابات، اصلاح‌طلبان به نسبت انتخابات سال ۹۶، با آرایش سیاسی جدیدی حاضر شدند؟ منظورم از منظر شعارها و انجام رفتارهایی است که قبلا از آنها ندیده بودیم.

در پایه و اساس ساختار و آرایش سیاسی آنان، تغییر مهمی رخ نداده است. نکته این است که جناح اصولگرا در مدیریت کشور در هشت سال زمامداری در مجلس و دولت موفق نبود و این مسئله، خود را در انتخابات ۹۲ نشان داد. بنابراین طبیعی بود خودجوش آن انتخابات یعنی یکی، دو ماه قبل و بعد از آن، این جریانات منفعل شده و چاره‌ای جز سکوت نداشتند. البته برخی نیز به شکلی دیگر وارد ماجرا شدند و مثلا آقای ولایتی در شرایطی که انتظار نمی‌رفت، سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و دبیر شورای‌عالی امنیت ملی وقت را به‌تندی نقد کرد. یا قالیباف و محسن رضایی، شعارهای جامعه‌پسند مطرح کردند انگار نه انگار که احمدی‌نژاد از سوی برخی اصولگرایان، بهترین گزینه برای ریاست‌جمهوری خوانده شده و از دولت وی دفاع کرده بودند. بنابراین در آن زمان طبیعی بود که همه منتقد بودند هشت‌ساله ساخته و پرداخته اصولگرایان باشند و این جریان در لاک دفاعی قرار بگیرد. اما در یک سال اخیر فضا را به‌گونه‌ای تغییر دادند و بخشی از اصولگرایان روی مطالبات مادی مردم سوار شده‌اند. طبیعی بود که بلافاصله پس از دولت احمدی‌نژاد کسی نمی‌توانست از آنها بپذیرد که اپوزیسیون دولت خودشان هستند. امروز اگر فضاییما در آمریکا منفجر شود حتما دولت روحانی باید پاسخ دهد! سیاست جریان مقابل در شرایط فعلی و در انتخابات اردیبهشت‌ماه، مانند سیاستی است که در سال‌های ۸۱ و ۸۲ دنبال کردند یعنی دمپدن در طبل مطالبات اقتصادی جامعه و بالابردن توقعات در حدی که هیچ دولتی از آنها برنیاید. در یک سال اخیر، اتفاقی رخ داد که دولت را در یک موقعیت بسیار سخت قرار داد و به سبب اتفاقات سیاسی ـ سال ابتدای انقلاب، باز دیگر فضا تغییر کرد. اگر به انتخابات مجلس اول در سال ۵۸ بنگریم با بالاترین سطح آزادگی برگزار شد و حتی رهبر سازمان مجاهدین خلق (منافقین) کاندیدا شد و معجود رجوی در تهران سی‌وهفتم شد! اما بازهم خواستند بین دو گفتمان آزادی‌خواهی و امنیت‌گرایی، آغاز شد.

تجزیه‌طلبی در کردستان و سفر دکتر جمران به پاوه، واقعه ترکمن‌صحرا و قیام مسلحانه سازمان منافقین و تورهای ناجوانمردانه و مبتنیک‌های گروه‌های سیاسی که یکی پس از دیگری ترور می‌شدند، فضای ناامنی شدیدی ایجاد کرد که نتیجه آن تغییر فضا تا نوم خرداد ۷۶ بود.

آمن محمود احمدی‌نژاد و هشت‌سالی که شرایط خاص خود را داشت و به‌خاطب‌پرفش گفتمان‌های سیاسی نباش شد. محصول همین نکته است.

اما باز هم با وجود همه اتفاقات جهار سال پس از ۸۸، مردم در مقطع انتخابات سال ۹۲ به کاندیدایی اقبال نشان دادند که همن کوه‌های سیاسی که آزادی و امنیت را در کنار هم می‌دانند، به مردم معرفی کرده بودند.

کاندیدایی که در شعارهای خود، بر اهمیت فعالیت سیاسی و ازبین‌رفتن فضای امنیتی تاکید می‌کرد. در سیاست خارجی، مسائل فرهنگی و دانشگاهی، آزاداندیش بود و «دولت دینی» را آرزوی خود داشت.

حسن روحانی به نوعی نشان داد با گفتمان‌های رسمی فاصله دارد هرچند سال‌ها درون نظام خدمت کرده بود. در جهار سال گذشته در حال تجربه جدیدی هستیم.

مردم فضای باز سیاسی می‌خواهند اما سایر حوزه‌ها هم دارای اهمیت است. با این حال آن «دور باطل» باز هم خود را نشان داده و شواهدی دال بر تلاش گروه‌های برای پدیده‌آوردن دوباره تقابل کاذب میان مؤلفه‌های «امنیت‌گرایی» و «آزادی‌خواهی» در دست است. در حوزه مسائل دانشگاه، برخوردهای صورت‌گرفته با برای علوم پیشه‌دادی و سرپرستان و حبات‌های رؤسای دانشگاه‌ها که جملگی از چهره‌های معتدل و مخصص هستند، به مشکل خورده‌اند. در تحولات انتخابات گیری که در هشت سال دولت احمدی‌نژاد هیچ‌گاه نخواست در جامعه با پدیده‌های مثل دبحیانی برخورد کند. دوباره فعال شده است.

لیست آنها صراحتا گفته چون با احمدی‌نژاد رفیق بوده، در آن دوره فعال نشده‌اند! همه اینها برای ناکارآمد نشان‌دادن دولت است. در این شرایط، مسئولیت اصلاح‌طلبان که بنده اصلی حامیان دولت را تشکیل می‌دهند بسیار سنگین است.

اساسا اصلاح‌طلبی بعضی‌ها را به سیاست‌ورزی، خوشبختانه اقبال جامعه به اعتدال و اصلاحات، بعضی تواون آرمان‌ها و واقعیت‌ها و می‌توان به دستاوردهای آن آمیدوار نیز.

عکس: روزبه رمضانی، شرق

ریاست‌جمهوری، تلاش‌های خود را به مردم منتقل کند تا شاهد فرار و فرودهای گذشته نباشیم. قبلا هم گفته‌ام اگر تمام مطالبات زمین‌مانده در دوره‌های گذشته، یک جا از یک دولت، مجلس یا شورای شهر خواسته شود، حتما این نهادها را به زانو درخواهد آورد. عملکرد صداوسیما و تریبون‌های گسترده جناح راست در دوران اصلاحات، به مطالبات دامن می‌زد. خاطرم هست در دوره‌ای، نهاده‌های طیور، با افزایش قیمت مواجه شده بود و نمایندگان این صنف مقابل مجلس تجمع کرده بودند. به دلیل مرام اصلاح‌طلبان، این صنوف از طرح شعارهای تند علیه مجلس نگرانی نداشتند؛ درحالی‌که در دوره‌های دیگر طعم برخورد را چشیدند. در این‌گونه مواقع، برخی مضامین تکراری که ناشی از جو و فضای تند است نیز شنیده می‌شود مانند اینکه «ما به شما رأی ندادیم روی صندلی‌ها بنشینید و به فکر قدرت‌طلبی خودتان باشید. به شما رأی دادیم مطالبات را پیگیری کنید». از این دست مطالبات در اواخر عمر مجلس و دولت اصلاحات در سطح گسترده‌ای و البته به شکل سازمان‌یافته مطرح می‌شد و تلاش‌های کابینه یکی از عرصه‌های دشوار برای نهادهای اجرائی و نظارتی، انتخابات مجلس است بنابراین با برنامه‌هایی در حمایت از مصرف‌کننده یا تولیدکننده ساخت؛ اگر همه حمایت‌ها به تولید داخلی جلب شود، مصرف‌کننده باید کالای بی‌کیفیت با قیمت بالاتر بخرد و تولید هم در شرایط غیررقابتی توسعه نمی‌یابد. اینجا تولیدکننده خوشحال است و مصرف‌کننده حقوقش تضییع می‌شود. اگر فقط مصرف‌کننده ملاک باشد، باید درهای واردات باز شود و مهم نباشد تولیدکننده زمین می‌خورد. حسن تدبیر، برقراری تعادل میان این دو نگرش است. حاشیه خبر رادیو و تلویزیون، دامن‌زدن به مطالبات هر دو دسته در اوج آن را دنبال می‌کند؛ یعنی هم برای مصرف‌کننده همه‌چیز به‌وفور در اختیار باشد و هم تولیدکننده هر کالایی به هر کیفیتی که خواست روی میز بازار بگذارد و همه ملزم به خرید باشند.

■ مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی دولت را چه می‌دانید؟

دو چالش اساسی پیش‌روی دولت قرار دارد. نخستین این چالش‌ها برآورده‌کردن مطالبات رأی‌دهندگان دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری است. شعارهای جمعیت حاضر در سخنرانی‌های رئیس‌جمهوری و تکرار این شعارها نشان می‌داد این مطالبات برای مردم جدی است. البته می‌دانیم که حل بسیاری از این مشکلات اگر سخت‌تر از جهار سال، آسان‌تر از آن هم نیست و باز به مدارکات بسیار جدی در داخل کشور دارد به شرطی که باب مدارکات باز شود. همه امید دارند معضلاتی که در هشت سال گذشته روی دوش کشور بوده در این دوره جهارساله برداشته و همسویی در جهت سازندگی کشور اپجاد شود. چالش دوم دولت دوازدهم انتخابات مجلس یازدهم است. فضای انتخابات مجلس با انتخابات ریاست‌جمهوری و شورا متفاوت است. درباره انتخابات شوراها چون نظارت برعهده مجلس است و درباره ریاست‌جمهوری هم چون انتخابات محدود است، شرایط فرق می‌کند. یکی از عرصه‌های دشوار برای نهادهای اجرائی و نظارتی، انتخابات مجلس است بنابراین با نشانه‌های موجود، انتخابات مجلس یازدهم بسیار خطیر است. مردم تمایل دارند در چارچوب قانون شخص مورد وثوق خود را انتخاب کنند.

■ درباره کابینه، نظری ندارید؟

دست دولت برای انتخاب کابینه در دوره جدید بازتر است و می‌تواند انتخاب‌های بهتری داشته باشد.

■ مهم‌ترین دستور کار سیاسی جهار سال آینده از نظر شما چیست؟

دولت آقای روحانی در سال ۹۲ زمانی کار را به دست گرفت که بسیاری از مدیران قدرتمند از کار کنار بودند. برای همین انتخاب‌ها محدود بود. انتخاب کابینه در دور جدید قطعا مسیر آسان‌تری در پیش خواهد داشت. به نظر بنده بهتر است جهار سال دوم دولت روحانی را دوره گفت‌وگوی ملی نام‌گذاری کنیم. دلیل این امر فاصله ایجادشده بین جناح‌های سیاسی در کشور در یک دهه گذشته است. در آن سال‌ها جناح‌ها به نوعی پذیرفته بودند که توانایی تحمل یکدیگر را از کار کنار بودن، برای همین انتخابات محدود بود. انتخاب کابینه در دور جدید قطعا مسیر آسان‌تری در پیش خواهد داشت. به نظر بنده بهتر است جهار سال دوم دولت روحانی را همیشه یا رفتارهای اصلاح‌طلبانه شخصیت‌ها و احزاب و گروه‌های منتقد قائل به اصلاح‌طلبی، یکسان نبوده و نباید باشد؛ چراکه اگر یک فرصت را رفتار اصلاح‌طلبانه بخواهد برای عملکرد تمام بخش‌های دابسته تجویز شود، هم بخش‌های دابسته و هم اصلاح‌طلبان را از کارایی مبتنی خود می‌اندازد و هم فعالیت احزاب و گروه‌های منتقل اصلاح‌طلب را با بحران مواجه می‌کند. بنابراین، اینکه برای اصلاح‌طلبان انتظار داشته و دارند که رئیس‌جمهور و دولت اصلاح‌طلب با دولت نزدیک به گرایش‌های اصلاح‌طلبانه نیز مانند جریانات اصلاح‌طلب منتقد موضع‌گیری کرده و رفتار کند، با اینکه گاه دولت‌های اصلاح‌طلب انتظار داشته باشند که جریان‌ها و گروه‌های اصلاح‌طلب منتقد کنش سیاسی اصلاح‌طلبانه، خود را محدود به سازش و تعامل کنند، هر دو ریشه در درک‌نکردن نکتۀ و نقش متفاوت افراد و گروه‌های اصلاح‌طلب دارد.

بیشترت تجزیه اصلاح‌طلبی در سابقه طولانی و متأسفانه در بیشتر مواقع ناشی اصلاح‌طلبی در تاریخ پرفرازونشیب ایران (به‌ویژه پس از مشروطه تاکنون)، نشان از همین درک نادرست تناسب نوع اصلاح‌طلبی با جایگاه افراد اصلاح‌طلب دارد؛ چراکه متاله کلام قائل به تبیین دولت با وزیر و وکیل اصلاح‌طلب، به‌جای تعامل با بالادست و تلاش برای گفت‌وگو و سازش در مسیر متقاعدکردن به همراهی با حداقل بخشی از اصلاحات، تغییرات مدنظر خود را از مسیر تقابل، کشمکش و رویارویی بیگیری کرد یا رهبران و جنبش‌های برجسته اصلاح‌طلب، به‌جای حفظ موقعیت خود در تعامل با بالادستی برای برنگاه‌های تاریخی‌اکی به دستگاه‌های رسمی حاضر و تعامل با دولت‌ها و گفت‌وگو می‌شود، متاسفانه خواسته یا ناخواسته اسیر تقابل‌های پرفرسنگ‌نابذیری شده که اصلا انگرادری و فرصت نشستن بر سر مبنا مدارکه برای بیشبرد اصلاحات در برنگاه‌های سیاسی ـ تاریخی را از ایشان سلب کرده است. از سوی دیگر، بسیاری از گروه‌ها و احزاب اصلاح‌طلب نیز آن‌چنان مطلوب‌مدار عمل کرده‌اند که عملا همین از دست‌دادن اعتماد عمومی در نمایندگی‌کردن بخشی از اصلاحات، به‌یک‌بار بسیاری اصلاحات، در روند فضای فعلی اصلاحات، هم‌تبدیل به توجیه‌گر رویه‌ها شد و کارکرد اصلاح‌طلبانه خود را فراموش کرده‌اند و برخی دیگر را از این احزاب و گروه‌ها نیز چنان در بیرون انتقادات و اعتراضات خود دچار غلیان‌ها و هیجان‌های احساسی و برنبرد نزدیک به انقلابی‌گری شده‌اند که رفته‌رفته رویکرد اصلاح‌طلبانه خود را فراموش کرده و آگاهانه یا ناخودآگاه، به نپذیرش‌ده اصلاحات که میدان‌دار رفتارهای هیجانی شده‌اند. همین درک نادرست تفاوت طبقه و توجه به جایگاه و موقعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، در نهایت بین اصلاح‌طلبان مدرنیته تحقیقه یکدیگر و متهم‌کردن همدیگر به تندروی و کندروی است. بنابراین چنانچه ذی‌نفع در اصلاحات، باید متناسب با موقعیت و جایگاه افراد و سنبتش با درون و بیرون حاکمیت، ضمن حفظ آرمان‌گرایی نظری و توجه به غایت مشترک و هماهنگی و یکپارچگی همه افراد و جریانات اصلاح‌طلب، خطر شرط مبارزه‌ای و برهنز از تندروی و تعصب، متناسب با جایگاه و موقعیت و نقش و کارکرد آنها تبیین و از یکسان‌سازی و اصرار به رفتار یک‌شکل در مسیر اصلاحات بپرهیزد. حرکت اصلاح‌طلبی در مسیر برنشات با گله مخرب کوه‌های یک فرم و یک شکل غلتان در مسیر سرازیر، مستلزم و همواره حرکت آرام و دشوار به چندچوبی در مسیر سربالایی نفس‌گیر و پرسنکلاخ و ناهمواری است که هرچند مسیر همه وجود این چندچوبی در نهایت یکی است؛ اما بسته به پیچ‌وخم‌های راه، هر بار غلتیدن یک وجه در این مسیر، بیش‌ونه است خواهد بود؛ غلتیدنی که حرکتش لزوما به بر و بیرانی و تخریب نظم و نقاوت‌های هر وجه، ناغی مباحث اصلاح‌طلبانه وجود دیگر نیست.

زاویه

اصلاح‌طلبی خدوجهی

حجت شریفی

وقتی از اصلاح‌طلبی سخن می‌گوییم، در واقع از نوعی مدل تغییر گفته‌ایم که حداقل واجد سه ویژگی مبتنی‌بودن بر خواست اکثریت، تدریجی‌بودن و مسالمت‌آمیزبودن باشد و با همین تعریف، در یک ساختار سیاسی طیفی از کنش‌های سیاسی از سازش و گفت‌وگو با مخالفان مانع اصلاحات تا اعتراضات مدنی غیرساختارشکنانه را دربر می‌گیرد. هرچند در مفیدکردن رفتارهای اصلاح‌طلبانه به قید چهارم قانونی و در چارچوب قانون بودن اختلاف‌نظر وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد حداقل در مقطع کنونی، هرگونه فعالیت اصلاح‌طلبانه برای امکان‌پذیری و بافتن فرصت استمرار، باید حرکت با لحاظ قید چهارم (قانونی‌بودن) را نیز بپذیرد. بر این اساس، به نظر می‌رسد بسیاری از اختلاف‌نظرها و تعارض‌های بین اصلاح‌طلبان در تعریف نوع اصلاح‌طلبی، درک‌نکردن صحیح این نکته است که اصلاح‌طلبی نه منحصر به تنها یک نوع رفتار و کنش که شامل طیفی از فعالیت‌ها و رفتارهاست که به سه یا چهار شرط ذکرشده در بالا مقید است. بنابراین اصرار بر یک‌شکل‌کردن همه اصلاح‌طلبان و فعالیت‌های اصلاح‌طلبی و پوشاندن یک لباس با یک فرم، اندازه و شکل به همه گرایش‌ها و طیف‌های اصلاح‌طلبی، علاوه بر محدودکردن فعالیت‌های اصلاح‌طلبانه، رفته‌رفته اختلاف سلیقه‌ها، نظرات و متعاقب آن تعارض‌های بین اصلاح‌طلبان را نیز دامن زده و به‌مرور منجر به تنک‌شدن دایره اصلاح‌طلبی و دلسردی بین اصلاح‌طلبان خواهد شد. بنابراین در درک اصلاح‌طلبی به‌مثابه یک حقیقت، باید این ویژگی خدوجهی‌بودن حقیقت را که عرکسی به‌مثابه آگاهی، شناخت و جایگاه خود سطحی از حقیقت را درک می‌کند و همین مسئله، تکثر در درک حقیقت را باعث می‌شود)، به اصلاح‌طلبی نیز تعمیم داد؛ یعنی اصلاح‌طلبی را نیز باید به شرط تقید به سه یا چهار ویژگی ذکرشده، متکثر و متنوع پذیرفت. البته این رویکرد به اصلاح‌طلبی، به‌هیچ‌عنوان نافی هماهنگی، انسجام و یکپارچگی رفتاری طیف‌های مختلف اصلاح‌طلبی در تصمیم‌گیری‌های مهم نبوده و وجود سازمان‌دهی و هم‌جهتی و هم‌هدفی اصلاح‌طلبان و اشتراک آرمان‌های ایشان را نفی نمی‌کند؛ اما الزام این انسجام و قانل‌بودن به وجود محوریت واحد، نباید تعبیر به یک‌شکلی و تک‌کستی اصلاح‌طلبی شود. با این توضیح، رفتار اصلاح‌طلبانه در شرایط امروز ایران را شاید بتوان حداقل از لحاظ موقعیت و جایگاه افراد و بخش‌های مختلف خواهان اصلاحات، به چند دسته تقسیم کرد:

الف: اصلاح‌طلبی در دولت و حاکمیت

ب: اصلاح‌طلبی بزرگان و شخصیت‌های برجسته اصلاح‌طلب

ج: اصلاح‌طلبی افراد، احزاب و گروه‌های بالقوه و بالفعل پذیرفته‌شده از سوی دستگاه‌های رسمی

د: اصلاح‌طلبی افراد، گروه‌ها و جریانات مستقل که بیشتر منتقد و لزوما فعالیت رسمی آنها از سوی دستگاه‌های رسمی نیز پسندیده نمی‌شود.

با این تقسیم‌بندی، طبیعی است که نوع موضع‌گیری و رفتارهای اصلاح‌طلبی در مسیر اصلاحات بپرهیزد. حرکت اصلاح‌طلبی بازنار کردن به کرکه مخرب کوه‌های یک فرم و یک شکل غلتان در مسیر سرازیر، مستلزم و همواره حرکت آرام و دشوار به چندچوبی در مسیر سربالایی نفس‌گیر و پرسنکلاخ و ناهمواری است که هرچند مسیر همه وجود این چندچوبی در نهایت یکی است؛ اما بسته به پیچ‌وخم‌های راه، هر بار غلتیدن یک وجه در این مسیر، بیش‌ونه است خواهد بود؛ غلتیدنی که حرکتش لزوما به بر و بیرانی و تخریب نظم و نقاوت‌های هر وجه، ناغی مباحث اصلاح‌طلبانه وجود دیگر نیست.

یادداشت

راه پرفرازونشیب مشروطه‌خواهی

ضیا مصباح

بازتعریف دقیق رخدادهای تاریخی در همه جوامع، امری نسبی است. ضمنا پرسیدن بازتاب متن و خوانش رویدادها با توجه به اعتقاد اصولی و اشراف محقق و نویسنده بر ماوقع، ناشی از ضرورتی است که تحلیل‌های جهت‌دار و سازمان‌یافته حقیقت‌ستیز را لوث می‌کند. مرور و بررسی مگرو و جنداره ماوقع به‌صورت پژوهشی ـ علمی و فاقد انتقادی و به‌هرحال مفرون به حقیقت، از تحولی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که با تفاسیری در مسیر انکار حقایق مواجه شده، تشکیل می‌گیرد. لیدل کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به انقلاب مردمی و متهورگرد دکتر مصدق به استفاده از پیوپلیسم در آن زمان، امروز هم در تیراژ انبوه با امکانات عظیم در اختیار یک تفکر خاص، برای دگرگون جلوه‌دادن حقیقت همچنان دنبال می‌شود. نگاه بی‌طرفانه به رخداد‌ها، ضرورت کاوشی مستند و حقیقی از چگونگی تاریخ معاصر را دوچندان می‌کند. تکنولوژی وسیع و سایل ارتباط جمعی هم مانیع مصادره تاریخ هست. مردامه‌ا، با بروژه مشروطه‌خواهی ایران پیوند خورده است. انقلاب مشروطیت ایران نظیر دیگر انقلاب‌های عمده سیاسی در نتیجه نبوغ تغییر حالت و رویه در افراد مملکت، به وقوع پیوست. به عبارت دیگر یک عمل دست‌جمعی یعنی که در آن تعداد زیادی از افراد، ناخواسته، افراد طبقه مؤثر جامعه سهمی اساسی داشتند. این حرکت و جنبش عمومی ثمره نسبه تکوینی بطئی و طولانی بود که باید ریشه آن را از اواخر دوران صفویه جست‌وجو کرد زیرا انقلاب مشروطیت ایران منتج از نهضت فکری و تحول اجتماعی ریشه‌داری بود که دارای دوقرون‌ونیم سابقه است؛ یعنی از آن هنگام که روتق کار، صنعت و تجارت و به آهنگ نهاد و به‌تدریج قدرت صنعتی، نظامی و سیاسی ایرانیو به بار افتاد و تمدن توانمند و شکوفای اروپایی به سوی انحطاط گلیه و ایرانیان در شرایط با اعجاب خیس امید به مغرب‌زمین دوختند. با تحلیلی که از عوامل، نتایج و پیامدهای جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان می‌توان ارائه داد. اینکه این حرکت فراگیر و همه‌جانبه توانایی عمیق و گسترده در جامعه ایرانی برای نهاد، تحولاتی که تجارتگر معاصر ایران هیچ‌گاه از دامنه تاثیرات آنها برکنار نبود. مجموعه حوادثی که منجر به ظهور و تکوین مشروطیت ایران شد ناخدن نبود تو در تاریخ ایران است. همچنان که «رسانس» در جوامع غربی آغاز اعام جدید به شمار می‌رود، به قسمی که پنج قرن پس از آن، فلسفه و طرز زیستی که «راده رسانس» بود. در اروپا و آمریکا عناصر تعلیم عداد آلتجاعی و گسترش آزادی به نحو عمیق در سایه قوانینی که موجد مساوات حقوق تمامی افراد جامعه است و برخورداری از تنعمات مادی تمدن ماشینی شد.

چرا مشروطه‌خواهی؟

می‌توان گفت برخی از هدف‌ها پس از ۱۱۱ سال که از آغاز مشروطیت می‌گذرد، هنوز اعتبار خود را حفظ کرده‌اند و بعضی در تبیجه تحولات به صورت دیگری حاضر شده است. درواقع انقلاب مشروطیت ایران که از مهم‌ترین حوادث اجتماعی کشور ما به شمار می‌رود. تألیفات و تتبعات زیادی به وسیله محققان و مورخان ایرانی و خارجی انجام یافته که اغلب نوشته کسانی است که از روی اعتقاد و ایمان در جریان بررسی‌ها و تحقیقات خود بوده‌اند. از زمان جنگ با بیتالمقدس به کوشش عده‌ای از مورخان اروپایی بر پرداخته، زمینه فراهم‌سازی زیرساخت، در راستای برنامه‌ریزی در مسیر انکار حقایق مرتبط شد. تبدیل سلسله‌های سلاطین از مشروطه به افسانه، زنده و قاجاریه فقط چهره حکام را تغییر می‌داد بدون اینکه نظام اقتصادی و فلسفه زندگی اجتماعی دگرگون شود. ولی در عین حال نظیر هر تغییر آشکار سیاسی، میین یک سلسله‌تغییرات نامرئی اجتماعی یعنی حاکی از تأکید ملکم بر اینکه کشور ما برای تجدید عظمت گذشته به «تاخراته ۱۲م»زی صحیح احتیاج دارد». نشان می‌دهد. یکی با اصول و بنیاد نهضت فکری سی‌سیمون آشنایی داشته است. زیرا هنگامی که ملکم‌خان نوجوانی را در مدارس فرانسه می‌گذارند مصادف با غلیان افکار سیاسی و اجتماعی سال‌های قبل از انقلاب در کشورهای اروپای وجود و در زمان افکار سی‌سیمون در میان روشنفکران فرانسه طرفداران بسیاری داشت و همچنین حکیم فرانسوی آکوست کنت پایه‌گذار جامعه‌شناسی که مؤسس فلسفه تحصلی (تحقق) و مبنز مذهب انسانیت بود. تحدوخاهی و آزادی‌طلبی را ممزوج با عشق و عقلانیت به انسانیت ترویج می‌کرد. این‌گونه افکار فلق وسیع و بهناوری در مقابل دیانی تنگ و بسته رجال دربار قاجار و گروه‌هایی که بر اثر عقب‌ماندن از پیشرفت علم به تعصب خرافی در حفظ آن می‌کوشیدند، می‌کشود. به این نحو مقالات و نوشته‌های ملکم و سپس ان